

## کتاب دانیال - شماره هفتاد و یک

تار و پود پیش‌گویانه: پرده‌برداری از چهار رجس باب هشتم حزقیال و اهمیت آن‌ها در عصر مدرن

Jeff Pippenger

2024-02-04

رجاسات چهارگانه باب هشتم کتاب حزقیال، نمایانگر چهار نسل اسرائیل معاصرند، و آغاز اسرائیل باستانی نمونه و نمادی برای آغاز اسرائیل معاصر بوده است. هر دو آن تاریخ‌های آغازین شهادت می‌دهند که پایان اسرائیل معاصر در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد خواهد بود. تاریخ آغازین پادشاهی شمالی اسرائیل، هنگام جدایی آن از یهودا، بر هر دو آن آغازها، چه باستانی جسمانی و چه معاصر روحانی، گواهی می‌دهد.

وقتی اسرائیل باستان گوساله طلایی را برپا کرد، آنان تازه، در تحقق پیشگویی‌ای که اعلام می‌کرد خدا از آنان یک پادشاهی خواهد ساخت، از مصر بیرون آمده بودند. داستان یربعام، نخستین پادشاه پادشاهی شمالی اسرائیل، همین ویژگی‌ها را در خود دارد. یربعام از خشم سلیمان به مصر گریخته بود. پیامبر اخیآ وعده‌ای نبوی به او داده بود که او بر ده قبیله از دوازده قبیله پادشاه خواهد شد. پیش از آن که آن پیشگویی تحقق یابد، یربعام برای فاصله گرفتن از سلیمان به مصر گریخت و تا مرگ سلیمان همان‌جا ماند.

و چنین شد که در آن زمان، چون یربعام از اورشلیم بیرون می‌رفت، نبی اخیآ شیلونی او را در راه یافت؛ و او جامه‌ای نو بر تن داشت؛ و آن دو در صحرا تنها بودند. آنگاه اخیآ آن جامه نو را که بر او بود گرفت و آن را به دوازده پاره درید. و به یربعام گفت: ده پاره را برای خود بردار، زیرا خداوند، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: اینک مملکت را از دست سلیمان می‌درم و ده قبیله را به تو می‌دهم؛ اما به خاطر داود بندهام و به خاطر اورشلیم، شهری که از میان همه قبایل اسرائیل برگزیده‌ام، یک قبیله از آن او خواهد بود. زیرا مرا ترک کرده‌اند و عشتاروت، الهه صیدونیان، و کموش، خدای موآبیان، و ملکوم، خدای بنی‌عمون را پرستیده‌اند و در راه‌های من سلوک نکرده‌اند تا آنچه را در نظر من درست است به جا آورند و فرایض و احکام مرا نگاه دارند، چنان که داود پدرش کرد. لیکن تمام مملکت را از دست او نخواهم گرفت؛ بلکه به خاطر داود بندهام، که او را برگزیدم، زیرا او فرامین و فرایض مرا نگاه داشت، او را در تمام روزهای عمرش حاکم خواهم ساخت. اما مملکت را از دست پسرش خواهم گرفت و آن را، یعنی ده قبیله را، به تو خواهم داد. و به پسرش یک قبیله خواهم داد تا داود بندهام همواره در حضور من در اورشلیم، شهری که برای نهادن نام خود برگزیده‌ام، چراغی داشته باشد.

و تو را خواهم گرفت، و مطابق هرآنچه دل تو می‌خواهد سلطنت خواهی کرد و بر اسرائیل پادشاه خواهی شد. و چنین خواهد شد که اگر به هرآنچه تو را فرمان می‌دهم گوش فرا دهی، و در راه‌های من سلوک کنی، و آنچه در نظر من راست است به‌جا آوری، و فرایض و احکام مرا نگاه داری، چنان که داود، بنده من، کرد؛ آنگاه با تو خواهم بود و برایت خانه‌ای استوار بنا خواهم کرد، چنان که برای داود بنا کردم، و اسرائیل را به تو خواهم داد. و به سبب این نسل داود را رنج خواهم داد، اما نه تا ابد. پس سلیمان در صدد برآمد تا یربعام را بکشد. و یربعام برخاست و به مصر، نزد شیشق پادشاه مصر، گریخت و تا مرگ سلیمان در مصر ماند. و بقیه کارهای سلیمان، و هرآنچه کرد، و حکمتش، آیا در کتاب کارهای سلیمان نوشته نشده است؟ و مدت سلطنت سلیمان در اورشلیم بر تمامی اسرائیل چهل سال بود. و سلیمان با پدران خود آرمید و در شهر داود پدرش به خاک سپرده شد؛ و رجبام پسرش به جای او سلطنت کرد. اول پادشاهان 43-11:28.

پس از مرگ پادشاه سلیمان، پادشاهی قرار بود تقسیم شود و یربعام قرار بود بر ده قبیله شمالی پادشاه باشد، و پسر سلیمان، رحبعام، قرار بود در اورشلیم پادشاه باشد. پیش از آنکه تقسیم قبایل رخ دهد، یربعام می‌بایست از مصر بیرون بیاید.

و رحبعام به شکیم رفت، زیرا تمامی اسرائیل به شکیم آمده بودند تا او را پادشاه سازند. و واقع شد که چون یربعام پسر نباط که هنوز در مصر بود، از این امر آگاه شد (زیرا از حضور سلیمان پادشاه گریخته بود و یربعام در مصر ساکن بود)، ایشان فرستادند و او را فراخواندند. و یربعام و تمامی جماعت اسرائیل آمدند و به رحبعام گفتند: پدرت یوغ ما را سنگین ساخت؛ پس اکنون خدمت دشوار پدرت و یوغ سنگین او را که بر ما نهاد، سبک ساز، و ما تو را خدمت خواهیم کرد. او به ایشان گفت: تا سه روز دیگر بروید، سپس نزد من بازگردید. و قوم رفتند. اول پادشاهان ۱۲:۵-۵.

روایت اینکه رحبعام در آن سه روز چه اندازه نادانانه عمل کرد، تقصیر را بر گردن ردّ احمقانه او از مشورت مشایخ می‌اندازد؛ اما جدا شدن قبایل از پیش پیشگویی شده بود، پس به هر صورت رخ می‌داد. شایان ذکر است—برای مقاله‌ای در آینده—که فرایند جدایی صراحتاً به‌عنوان سه روز مشخص شده بود. دو پادشاهی در تاریخ میلری‌ها دوباره به یک پادشاهی واحد بدل می‌شوند؛ و همین دوره تاریخ میلری‌ها که در آن قبایل شمالی و جنوبی یک پادشاهی می‌شوند، همان زمان رسیدن سه فرشته مکاشفه باب چهارده است. آن سه فرشته در تاریخ میلری‌ها، به‌وسیله سه روز تصمیم رحبعام نمادپردازی شده بودند. آن چهل‌وشش سال رسیدن سه فرشته، از 1798 تا 1844، همان سه روز نمادین نیز بودند که مسیح در یوحنا باب دوم گفته بود برای اینکه او هیکلی ویران را برپا کند لازم خواهد بود، اما آن بخش از مطالعه برای مقاله‌ای در آینده است.

وقتی رحبعام در پایان سه روز فرمان نابخردانه‌اش را صادر کرد، پادشاهی‌ها از هم جدا شدند.

پس چون تمامی اسرائیل دیدند که پادشاه سخن ایشان را نشنید، مردم به پادشاه پاسخ داده، گفتند: «ما چه سهمی در داوود داریم؟ و در پسر یسی نیز میراثی نداریم. ای اسرائیل، به خیمه‌های خود! و اکنون، ای داوود، به خانه خود رسیدگی کن.» پس اسرائیل به خیمه‌های خود رفتند. اما بر بنی‌اسرائیل که در شهرهای یهودا ساکن بودند، رحبعام سلطنت کرد. آنگاه پادشاه رحبعام ادورام را که مسئول خراج بود، فرستاد؛ و تمامی اسرائیل او را با سنگ‌ها سنگسار کردند تا مرد. از این رو پادشاه رحبعام شتافت تا بر اراهه خود سوار شود و به اورشلیم بگریزد. بدین‌سان اسرائیل تا به امروز بر خاندان داوود عصیان ورزید. و واقع شد که چون تمامی اسرائیل شنیدند که یربعام بازگشته است، او را فرستادند و به جماعت فراخواندند و او را بر تمامی اسرائیل پادشاه ساختند؛ و کسی از خاندان داوود پیروی نکرد، جز تنها سبط یهودا. اول پادشاهان ۱۲:۱۶-۲۰.

پیشگویی اینکه یربعام پادشاهی خواهد یافت تحقق یافته بود، و این تحقق در همان زمانی بود که او از مصر بیرون آمد. یربعام، چون به این حسادت می‌ورزید که معبد خداوند در شهر اورشلیم بود، شهری که خدا برگزیده بود تا نام خود را در آن قرار دهد، بر آن شد تا نمونه‌ای تقلبی از معبد، کهنات و آیین پرستشی را برپا سازد که مقرر شده بود فقط در اورشلیم انجام شود. کار یربعام در برپا کردن نظامی تقلبی پرستش در میان ده قبیله شمالی، موازات مستقیمی با شورش هارون و گوساله طلایی دارد و از این رو شاهد دیگری است، نه تنها بر قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع، بلکه همچنین بر شورش سال ۱۸۶۳.

و یربعام در دل خود گفت: اکنون پادشاهی به خاندان داود بازخواهد گشت. اگر این قوم برای گزاردن قربانی به خانه خداوند در اورشلیم بالا روند، آنگاه دل این قوم بار دیگر به سوی سرور خود، یعنی رحبعام پادشاه یهودا، برخواهد گشت؛ و مرا خواهند کشت و باز نزد رحبعام پادشاه یهودا خواهند رفت. پس پادشاه مشورت کرد و دو گوساله زرین ساخت و به آنان گفت: رفتن شما به اورشلیم بسیار دشوار است؛ ای اسرائیل، اینک خدایان تو که تو را از زمین مصر برآوردند. و

یکی را در بیت‌ئیل نهاد و دیگری را در دان گذاشت. و این کار مایه گناه شد، زیرا قوم برای سجده کردن نزد آن، تا دان می‌رفتند. و خانه‌ای بر بلندی‌ها ساخت و از میان فرودستان قوم، کاهنانی گماشت که از پسران لاوی نبودند. و یربعام در ماه هشتم، در روز پانزدهم ماه، جشنی مانند جشن یهودا مقرر داشت و بر قربانگاه قربانی گذرانید. چنین در بیت‌ئیل کرد: برای گوساله‌هایی که ساخته بود قربانی نمود، و در بیت‌ئیل کاهنان عبادتگاه‌های مرتفعی را که ساخته بود گماشت. پس در روز پانزدهم ماه هشتم، یعنی در همان ماهی که به رأی دل خود تعیین کرده بود، بر قربانگاهی که در بیت‌ئیل ساخته بود قربانی گذرانید و برای بنی‌اسرائیل جشنی مقرر داشت؛ و بر قربانگاه قربانی گذرانید و بخور سوزانید. اول پادشاهان ۱۲:۲۶-۳۳

شورش یربعام خط دیگری از حقیقت فراهم می‌کند تا آن را بر شورش هارون، شورش شاخ پروتستان در سال ۱۸۶۳، و شورش شاخ جمهوری‌خواه در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد، منطبق کنیم، و با این کار شهادت نبوی را گسترده‌تر می‌سازد. در شورش گوساله طلایی هارون، خداوند روش مقرر انتخاب کهنانت را تغییر داد.

پیش از آن شورش، نخست‌زاده هر سبط می‌بایست وارد منصب کهنانت شود. اما در شورش گوساله طلایی هارون، تنها سبط لاوی بود که در کنار موسی ایستاد. به همین سبب، خدا روش مقرر برای گزینش مردان برای منصب کهنانت را تغییر داد، و از آن پس فقط لایوان بودند که کهنانت را تشکیل می‌دادند.

و چون موسی دید که قوم برهنه‌اند (زیرا هارون ایشان را برای رسوایی‌شان در میان دشمنان برهنه ساخته بود)، در دروازه لشکرگاه ایستاد و گفت: هر که جانب خداوند است، نزد من آید. و همه پسران لاوی نزد او گرد آمدند. و به آنان گفت: خداوند، خدای اسرائیل، چنین می‌گوید: هر یک شمشیر خود را بر کمر بندید و در سراسر لشکرگاه از دروازه‌ای به دروازه دیگر درآید و بیرون شوید، و بکشید هر کس برادر خود را، هر کس همنشین خود را، و هر کس همسایه خود را. و بنی‌لاوی مطابق سخن موسی عمل کردند؛ و در آن روز از قوم حدود سه هزار مرد کشته شدند. خروج 28-32:25

یربعام کاری را که خدا در جریان شورش هارون انجام داده بود، به‌گونه‌ای بدلی تقلید کرد؛ هنگامی که خدا کهنانت تازه‌ای از سبط لاوی برپا کرده بود، زیرا یربعام «از فرودست‌ترین مردم، که از پسران لاوی نبودند، کاهنانی برگماشت.» شورش آغاز پادشاهی ده سبط شمالی با شورش هارون و رقص‌کنندگان سبک‌سر مشابه است. این شورش پس از بیرون آمدن از مصر روی داد، در تحقق نبوتی که وعده داده بود پادشاهی‌ای برقرار خواهد شد. در هر دو مورد، کهنانتی تازه برپا شد که تغییری نسبت به نظام پیشین گزینش کاهنان بود.

طغیان گوساله طلایی هارون تکرار شد، اما به‌دست یربعام دو برابر گشت، زیرا او دو گوساله طلایی ساخت و آنها را در دو شهر قرار داد. شهر دان نمایانگر کشورداری است، زیرا «دان» به معنای «داوری کردن» است، و شهر بیت‌ئیل نماینده کلیسادیاری است، زیرا «بیت‌ئیل» به معنای «خانه خدا» است. گوساله‌های طلایی همان بار نمادین گوساله هارون را داشتند، اما با گواهِ افزوده اتحاد کلیسا و دولت که به وسیله آن دو شهر نمایانده می‌شد. گوساله برترین نوع قربانی بت‌پرستان بود و از این رو نمایانگر قربانی بدلی مسیح است. طلا نماد بابل است و گوساله تصویری از یک وحش بود. همان‌گونه که هارون روزی دروغین برای پرستش تعیین کرد، یربعام نیز جشنی مقرر کرد و چنان ترتیب داد که تاریخ آن جشن با زمان پرستش حقیقی در اورشلیم مطابق نباشد.

تمام عناصر قانون یکشنبه که به زودی فرا می‌رسد، در شهادت یربعام درباره سرکشی نمایان شده‌اند؛ قربانی کاذب (گوساله)، مسیح کاذب (مذبح)، تصویر وحش (ترکیب کلیسا و دولت)، روز عبادت کاذب

(یکشنبه) و کاهنیت جعلی.

آغاز اسرائیل باستان، آغاز پادشاهی ده قبیله شمالی، و آغاز ادونتیسیم همگی دارای عناصر نبوی مشترکی هستند و در کنار هم، عناصر نبوی قانون یکشنبه‌ای را که به زودی فرا می‌رسد شناسایی می‌کنند. اسرائیل باستان از بردگی مصر بیرون آمده بود، یربعام از مصر بیرون آمد؛ همان‌جا که برای گریز از جفای سلیمان به آن پناه برده بود، و ادونتیسیم میلری نیز به تازگی از اسارت پاپی بیرون آمده بود.

کهنات لاوی در جریان عصیان هارون برقرار شد، کهنات جعلی پست‌ترین مردمان در شهادت یربعام برپا گردید، و هنگامی که خداوند با ادونتیسیم میلری عهد بست، به گفته پطرس، میلری‌ها «نسلی برگزیده، کهنات ملوکانه، امتی مقدس، قومی خاص؛ تا فضایل او را که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیزش فراخوانده است، اعلان کنید» بودند. نوری که میلری‌ها به آن فراخوانده شده بودند، نور جواهرات میلر بود که بر دو لوح حقیق نمود یافته بود؛ و این امر در تاریخ عصیان هارون به وسیله دو لوح ده فرمان نمادین شده بود. تاریکی‌ای که از آن فراخوانده شده بودند، قرون تاریک حاکمیت پاپی بود که با تاریکی بردگی مصری نمادین شده بود.

هنگامی که مسیح هیکل را که هم به وسیله بت‌پرستی و هم پاپ‌گرایی پایمال شده بود برپا ساخت، این کار را در مدت چهل‌وشش سال، از 1798 تا 1844، انجام داد. وقتی هیکل را برپا کرده بود، آنگاه به‌عنوان فرستاده عهد، ناگهان در 22 اکتبر 1844 به هیکل خود آمد؛ زیرا او همان هیکل پایمال و ویران‌شده را برپا کرده بود، و نیز کهناتی را که سبط لاوی نماینده آن بود، تطهیر کرد.

اما کیست که روز آمدن او را تاب آورد؟ و وقتی او ظاهر شود، کیست که بایستد؟ زیرا او مانند آتش پالاینده و مانند صابون رخت‌شویان است. و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوی را پاک خواهد کرد و ایشان را مانند طلا و نقره پالایش خواهد نمود، تا برای خداوند هدیه‌ای به عدالت بگذرانند. آنگاه هدیه یهودا و اورشلیم برای خداوند خوشایند خواهد بود، چنان‌که در ایام قدیم و همچون سال‌های پیشین. ملاکی ۳:۲-۴.

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، مسیح ناگهان به هیکل خود آمد و با مردمی که به وسیله کهنات لاویان نمایندگی می‌شدند، عهد بست؛ اما تا سال ۱۸۶۳، آنان شورش هارون را تکرار کرده بودند و کهنات میلری به کهنات لائودیکی تبدیل شد، چنان‌که کهنات یربعام، که از پست‌ترین مردمان برگرفته شده بود، و نیز ابلهان رقص‌کنان هارون، آن را نمایندگی می‌کردند. با این همه، گواهی شورش یربعام گواهی گسترده‌تری درباره شورش ۱۸۶۳ دارد. هنگامی که یربعام نظام دروغین پرستش خود را بنیان نهاد، پیامبری از اورشلیم فرستاده شد تا شورش یربعام را توییح کند؛ چنان‌که نمونه‌اش این بود که ادونتیسیم میلری هدایت شد تا سبت ده فرمان را به‌عنوان روز استراحت بپذیرد.

وقتی ادونتیسیم نور فرشته سوم و آموزه قدسگاه را پذیرفت، این امر به منزله توییحی برای آن دسته از پروتستان‌هایی بود که نور افزاینده گشایش مهرها را که در وقت آخر، در سال 1798، آغاز شده بود، رد کرده بودند. همان‌گونه که اسرائیل باستان در دوران اسارت در مصر سبت را فراموش کرده بود، کلیسا در بیابان نیز تا رسیدن سال 1798 سبت را از یاد برده بود. نور فزاینده پیام ساعت داوری که به وسیله پیروان میلر آورده شد، سرانجام به قدسگاه و شریعت خدا رهنمون شد.

آن نور در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید و برای کسانی که فراخوانده شده بودند تا تمام‌وکمال از آموزه‌های نادرست کاتولیسیسم بیرون بیایند، به منزله توییحی بر پرستش باطل بود. پرستش خورشید نشانه اقتدار کاتولیسیسم بر کلیساهایی است که به آغوش او بازگشته‌اند. آن توییح در مراسم برپایی نظام پرستش دروغین یربعام بازنمایی شده است.

و یربعام در ماه هشتم، در روز پانزدهم ماه، جشنی را مقرر داشت، همانند جشنی که در یهودا بود، و بر قربانگاه قربانی تقدیم کرد. او همچنین در بیت‌ئیل چنین کرد و برای گوساله‌هایی که ساخته بود قربانی نمود؛ و کاهنان بلندی‌هایی را که ساخته بود در بیت‌ئیل گماشت. پس بر قربانگاهی که در بیت‌ئیل ساخته بود، در روز پانزدهم ماه هشتم، یعنی در همان ماهی که از دل خود تدبیر کرده بود، قربانی تقدیم کرد؛ و برای بنی‌اسرائیل جشنی را مقرر داشت؛ و بر قربانگاه قربانی تقدیم کرد و بخور سوزاند. و اینک مرد خدایی از یهودا به فرمان خداوند به بیت‌ئیل آمد، و یربعام کنار قربانگاه ایستاده بود تا بخور بسوزاند. و او به کلام خداوند بر ضد قربانگاه ندا در داد و گفت: ای قربانگاه، ای قربانگاه، خداوند چنین می‌گوید: اینک پسری برای خاندان داوود زاده خواهد شد، به نام یوشیا؛ و بر تو کاهنان بلندی‌ها را که بر تو بخور می‌سوزانند قربانی خواهد کرد، و استخوان‌های مردم بر تو سوزانده خواهد شد. و همان روز نشانه‌ای داد و گفت: این است آن نشانه‌ای که خداوند گفته است: اینک قربانگاه شکافته خواهد شد و خاکستر بر آن فرو خواهد ریخت. و چون پادشاه یربعام سخن مرد خدا را که در بیت‌ئیل بر ضد قربانگاه ندا در داده بود شنید، دست خود را از کنار قربانگاه دراز کرد و گفت: او را بگیرید.

و دست او که بر ضد او دراز کرده بود، خشک شد، به طوری که نتوانست آن را به سوی خود بازآورد. قربانگاه نیز شکافته شد، و خاکستر از قربانگاه بیرون ریخت، مطابق نشانه‌ای که مرد خدا بر حسب کلام خداوند اعلام کرده بود. آنگاه پادشاه پاسخ داد و به مرد خدا گفت: اکنون نزد خداوند، خدای تو، تضرع کن و برای من دعا کن تا دستم دوباره به حال خود بازگردد. و مرد خدا نزد خداوند تضرع کرد، و دست پادشاه دوباره به حال خود بازگشت و مانند پیش شد. و پادشاه به مرد خدا گفت: با من به خانه بیا و خود را تازه کن، و من به تو پادشاه خواهم داد. اما مرد خدا به پادشاه گفت: اگر نصف خانه‌ات را هم به من بدهی، با تو داخل نخواهم شد و در اینجا نه نان خواهم خورد و نه آب خواهم نوشید؛ زیرا بر حسب کلام خداوند به من چنین امر شده است که: نان مخور، آب منوش، و از همان راهی که آمده‌ای باز مگرد. پس او از راهی دیگر رفت و از راهی که به بیت‌ئیل آمده بود بازنگشت. اول پادشاهان ۳۲:۱۰-۱۳.

در کنار شورش گوساله‌های زرین در گواهی هارون و یربعام، آغاز رسمی نظام باطل پرستشی که یربعام مقرر کرده بود نیز در گواهی خود یربعام آمده است. آن آغاز، تمایز میان پرستشی را که بنا بود در اورشلیم انجام گیرد و نظام جعلی‌ای که یربعام برپا کرده بود، نشان می‌دهد. از سال 1798 تا 1844، خداوند قوم خود را از تاریکی سلطه‌پایی به نور شکفت‌انگیز نبوی که به وسیله سه فرشته مکاشفه باب چهارده نمایانده شده است، بیرون آورد. کلیساهای پروتستان آن نور را رد کردند و با این کار در سال 1844 دختران کاتولیسیسم شدند.

پرستش یربعام نماد نظام پرستش کاتولیکی بود و در داستان او، پادشاهی شمالی اسرائیل نمایانگر نظام کاذب کاتولیسیسم است که پروتستان‌های تاریخ میلرایتی ماندن در آن را برگزیدند. نماد آن نظام پرستش خورشید است.

باکره‌های وفادار و دانایی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ وارد قدس‌الاقداص شدند، نمایانگر توبیخی برای پروتستان‌هایی بودند که تازه به نفوذ کاتولیسیسم بازگشته و دختران روم شده بودند. در افتتاح نظام جعلی پرستش یربعام، پیامبری از یهودا آمد و یربعام را توبیخ کرد و بدین‌سان نمونه‌ای از باکره‌های وفاداری شد که وارد قدس‌الاقداص شدند و به شناخت شریعت خدا هدایت شدند. داستان آن پیامبر و توبیخش به یربعام، هنگام بررسی شورش ۱۸۶۳ بسیار آموزنده است، اما این داستان باید تا زمانی منتظر بماند که در کنار آغازش، پایانی نیز قرار داده شود.

آغازهای اسرائیل باستان، پادشاهی یربعام و اسرائیل معاصر همگی هم‌راستا هستند و در کنار هم سه شاهد برای پایان وحش زمین مکاشفه باب سیزده، در هنگام قانون یکشنبه قریب‌الوقوع، فراهم

می‌کنند. ایمانداران ادونتیسیم میلری در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به شاخ پروتستان راستین وحش زمین تبدیل شدند، و این امر در تاریخی رخ داد که در «وقت پایان» در سال ۱۷۹۸ آغاز شده بود. سال ۱۷۹۸ آغاز ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، یعنی ایالات متحده، و نیز برپایی شاخ راستین پروتستان ادونتیسیم در ایالات متحده بود. در آن تاریخ آغازین، الگوی پایان تاریخ ایالات متحده نمایان می‌شود، زیرا عیسی همواره پایان چیزی را با آغاز آن چیز نشان می‌دهد.

سه شاهد آغازین اسرائیل باستانی، معاصر و اسرائیل یربعام پایان وحش زمین را نشان می‌دهند، اما پایان دیگری نیز هست که باید پیش از ارائه شهادت نبی‌ای که از یهودا آمد و یربعام را توبیخ کرد، در جای خود قرار گیرد. روایت پایانی‌ای که باید گنجانده شود، پایان پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل است، چنان‌که نبی حزقیال آن را نشان می‌دهد.

نباید فراموش شود که آنچه اکنون نشان می‌دهیم این است که شورش ۱۸۶۳ با نخستین رجاست باب هشتم حزقیال، یعنی تمثال غیرت، مشخص می‌شود. وقتی به پایان پادشاهی‌های شمال و جنوب، چنان‌که در کتاب حزقیال نشان داده شده است، پردازیم، شواهدی بیش از کافی خواهیم داشت تا تأیید کنیم که شورش ۱۸۶۳ به وسیله شورش‌های هارون و یربعام تمثیل شده است و اینکه آن آغاز نسل نخست از چهار نسل ادونتیسیم لاودیکه‌ای را مشخص می‌کند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

باز کلام خداوند بر من آمد و گفت: و نیز تو، ای پسر انسان، چوبی بردار و بر آن بنویس: برای یهودا و برای بنی‌اسرائیل، همراهان او؛ سپس چوب دیگری بگیر و بر آن بنویس: برای یوسف، چوب افرایم، و برای تمامی خاندان اسرائیل، همراهان او؛ و آنها را به یکدیگر ببیوند تا یک چوب شوند؛ و در دست تو یک خواهند شد. و چون فرزندان قوم تو با تو سخن گویند و بگویند: آیا به ما نشان نمی‌دهی که منظور تو از اینها چیست؟ به آنان بگو: خداوند خدا چنین می‌فرماید: اینک، چوب یوسف را که در دست افرایم است، و قبایل اسرائیل، همراهان او را، برخوادم گرفت و آنها را با او، یعنی با چوب یهودا، خواهم نهاد و آنها را یک چوب خواهم ساخت، و در دست من یک خواهند بود. و چوب‌هایی که بر آنها می‌نویسی، در دست تو پیش چشمانشان خواهد بود. و به آنان بگو: خداوند خدا چنین می‌فرماید: اینک، بنی‌اسرائیل را از میان امت‌ها که به آنجا رفته‌اند، برخوادم گرفت و ایشان را از هر سو گرد خواهم آورد و ایشان را به سرزمین خودشان بازخواهم آورد.

و ایشان را در آن سرزمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک قوم خواهم ساخت؛ و یک پادشاه بر همه ایشان پادشاه خواهد بود؛ و دیگر دو قوم نخواهند بود و دیگر هرگز به دو پادشاهی تقسیم نخواهند شد. و دیگر با بت‌های خود و چیزهای مکروهشان و هیچ‌یک از گناهانشان خود را نجس نخواهند کرد؛ بلکه ایشان را از همه محل‌های سکونتشان که در آن گناه کرده‌اند نجات خواهم داد و ایشان را طاهر خواهم ساخت؛ آنگاه قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود. و داود، بنده من، بر ایشان پادشاه خواهد بود؛ و همگی یک شبان خواهند داشت؛ در احکام من راه خواهند رفت و فرایض مرا نگاه خواهند داشت و به جا خواهند آورد. و در زمینی که به یعقوب، بنده خود، داده‌ام، همان‌جا که پدرانان ساکن بودند، ساکن خواهند شد؛ ایشان و فرزندان ایشان و فرزندان فرزندان ایشان تا ابد در آن ساکن خواهند بود؛ و داود، بنده من، تا ابد سرور ایشان خواهد بود. و نیز با ایشان عهد صلحی خواهم بست؛ عهدی جاودانی با ایشان خواهد بود؛ ایشان را استوار خواهم ساخت و زیاد خواهم گردانید و قدس خود را تا ابد در میان ایشان خواهم نهاد. خیمه من نیز با ایشان خواهد بود؛ آری، من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و امت‌ها خواهند دانست که من، خداوند، اسرائیل را تقدیس می‌کنم، هنگامی که قدس من تا ابد در میان ایشان باشد. حزقیال ۱۵: ۳۷-۲۸.